

## تأثیر تحولات نرخ ارز بر صنعت، معدن و تجارت کشور

دکتر محمدرضا رفعتی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

### دنیای اقتصاد

اثر نوسانات و محدودیتهای اخیر ارزی بر بخش های صنعت، معدن و تجارت کشور را از زوایای مختلف و با آثار بعضاً متفاوت بر متغیرهای کلان اقتصاد کشور می توان مورد بررسی قرار داد چرا که به دلیل باز بودن نسبی اقتصاد، نوسانات نرخ ارز تأثیر چشمگیری بر تولید، تورم، تجارت، سرمایه گذاری، تنظیم بازار و حتی الگوی تولید و مصرف در کشور بر جای می گذارد.

افزایش قیمت ارز مرجع و ارز حاصل از صادرات، اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار می دهد. در بخش واردات، بارزترین اثر، افزایش قیمت کالاهای وارداتی است که منجر به تقویت رقابت قیمتی تولیدات داخلی مشابه می شود و از این منظر به تولید و اشتغال در داخل کمک می کند. اما اگر کالای وارداتی جایگزین داخلی نداشته باشد، تنها اثر قیمتی به شکل افزایش هزینه تولید (در مورد کالاهای سرمایه ای و واسطه ای) یا افزایش هزینه های مصرفی (در مورد کالاهای مصرفی) ظاهر خواهد شد که حاصل آن تقویت تورم و کاهش نسبی تولید خواهد بود. در بخش صادرات، افزایش قیمت ارز منجر به تقویت قدرت رقابت قیمتی کالاهای داخلی (به ویژه با توجه به ثبات نسبی قیمت ارز در سالهای اخیر، علی رغم وجود تورم دو رقمی در کشور) در بازارهای جهانی شده به افزایش تولید و صادرات غیرنفتی در کشور کمک خواهد کرد. اما بالا رفتن قیمت ریالی کالاهای صادراتی در بازارهای جهانی یقیناً قیمت و عرضه آنها را در بازار داخلی (لااقل در کوتاه مدت) به ترتیب افزایش و کاهش خواهد داد. در میان مدت و بلند مدت و با شکل گیری تولیدات صادرات گرا و افزایش مقیاس تولید، این آثار می تواند برعکس شود، مشروط بر آنکه تورم داخلی و تثبیت مصنوعی نرخ ارز، مزیت قیمتی فعلی را تحلیل نبرد.

شدت تأثیر نرخ ارز بر صادرات و واردات به کشش عرضه و تقاضای آنها نسبت به نرخ واقعی ارز، وضعیت اقتصاد جهانی و سرعت واکنش صنایع داخلی به علائم قیمتی بستگی خواهد داشت.

چند نرخى شدن ارز: در حال حاضر لااقل سه نرخ ارز در بازار وجود دارد. ارز مرجع، ارز حاصل از صادرات غیرنفتی و ارز آزاد. هدف از ارایه ارز مرجع اطمینان از تامین نهاده های حیاتی و ضروری از یکسو و جلوگیری از افزایش شدید قیمت آنها از سوی دیگر است. اما از آنجا که حصول اطمینان از

تامین و عرضه آنها به قیمت مورد نظر عملاً بسیار دشوار - اگر نه غیرممکن - است، سیاست مزبور به تقویت زمینه‌های فساد و رانت‌جویی منجر خواهد شد و کنترل آثار تورمی به سادگی میسر نخواهد بود. در غیاب نظارت و قیمت‌گذاری، بخش اعظم این رانت نصیب صنایعی خواهد گردید که ارز مرجع دریافت نموده‌اند.

محدودیت عرضه ارز: واقعیت آن است که در حال حاضر و به دلیل محدودیت‌های ایجاد شده در زمینه فروش نفت و انتقال درآمدهای ارزی و نیز تفاوت هنگفت بین صادرات و واردات کالا و خدمات غیرنفتی کشور، ارز قابل استفاده در مبادلات خارجی به اندازه کافی وجود ندارد. به عبارت دیگر بازار ارز از عمق کافی برخوردار نیست و هرگونه افزایش تقاضا - چه تقاضا برای واردات و چه تقاضا برای سفته‌بازی و سودجویی - می‌تواند فشار مضاعفی بر قیمت ارز آزاد و صادراتی به وجود آورد. در این شرایط لازم است برای محدود ساختن تقاضا و اولویت تخصیص ارز به مصارف حیاتی و ضروری اقداماتی صورت گیرد. یکی از این اقدامات می‌تواند محدود ساختن ثبت سفارش به کالاهای حیاتی و ضروری و ممنوعیت موقت ورودی کالاهای غیرضروری باشد، به گونه‌ای که عرضه و تقاضا برای ارز صادراتی و غیر آن، متعادل گردد. همزمان، لازم است از بازگشت و عرضه ارز حاصل از صادرات در بورس اطمینان حاصل گردد و با اولویت تخصیص ارز به صنایع صادرات‌گرا، چرخه تامین ارز مورد نیاز واردات از محل صادرات غیرنفتی تقویت گردد.

اعمال این سیاست بیشترین نفع را عاید صنایع تولیدکننده کالاهای لوکس و غیرضروری خواهد نمود زیرا از رقابت با واردات خلاص خواهد شد. افزایش قیمت و تولید کالاهای جایگزین واردات از تبعات مستقیم این سیاست است. صنایع تولیدکننده کالاهای حیاتی حسب نوع ارز دریافتی، به تناسب قیمت ارز دریافتی، با افزایش قیمت و به طور معکوس قابلیت رقابت در بازارهای خارجی رو به رو خواهند شد. انتظارات در مورد قیمت ارز: انتظارات در مورد قیمت آینده ارز نیز نقش مهمی در بازار ایفا می‌کند. در صورت انتظار افزایش قیمت ارز، سفته‌بازان و حتی واردکنندگان واقعی تلاش خواهند کرد ارز بیشتری را در زمانی کوتاه‌تر به خود اختصاص دهند و تقاضا برای ارز مصنوعاً افزایش خواهد یافت. همزمان، عرضه‌کنندگان ارز - حتی صادرکنندگان کالاهای غیرنفتی - در عرضه ارز به بازار تامل خواهند کرد تا در آینده ارز خود را به قیمت بالاتری بفروشند. نتیجه این امر آن است که انتظارات عاملین بازار - در غیاب دخالت و مدیریت موثر بازار ارز توسط دولت - محقق خواهد گردید. در این راستا، اقداماتی از

قبیل کنترل زمان بازگشت ارز حاصل از صادرات به کشور و کنترل میزان ثبت سفارش متناسب با نیاز واقعی ضرورت خواهد داشت. همزمان در مورد قیمت واقعی کالاهای وارداتی و صادراتی نیز باید دقت لازم صورت گیرد.

بدیهی است که این موضوع به بخش تجارت خارجی محدود نخواهد شد و انتظار می‌رود صنایع داخلی نیز عرضه تولیدات خود به بازارهای داخلی و خارجی را به تعویق بیندازند و یا حداقل در بازار داخلی که در آن قدرت قیمت‌گذاری دارند، نسبت به افزایش قیمت‌ها اقدام نمایند. در این شرایط و در صورت عدم مدیریت موثر بازار، افزایش تورم و واردات و کاهش موقتی صادرات دور از ذهن نخواهد بود.

الگوی سرمایه‌گذاری و تولید: افزایش قیمت ارز در ماه‌های اخیر تا آنجا که باعث افزایش قیمت کالاهای قابل تجارت به کالاهای غیرقابل مبادله شده باشد، به سود کالاهای قابل مبادله (اعم از کالاهای صادراتی و کالاهای جانشین واردات) عمل خواهد کرد و از شدت بیماری هلندی در اقتصاد ایران خواهد کاست. از این رو اگر این وضعیت از دیدگاه عاملین اقتصادی وضعیتی پایدار شناخته شود، منابع سرمایه‌گذاری به سوی بخشهایی که تولیدات آنها قابل مبادله با خارج است گرایش خواهد یافت، مشروط بر آنکه اولاً منابع ارزی و ریالی مورد نیاز برای این سرمایه‌گذاریها و شرایط خارجی برای صدور آنها فراهم باشد، و ثانیاً موج تورمی حاصل از این اقدام به سرعت کنترل گردد و در غیراین صورت، نرخ ارز اجازه تعدیل پیدا کند. همزمان، هزینه اصلاح فناوری برای کاهش مصرف انرژی به شدت افزایش پیدا خواهد کرد.

الگوی مصرف: الگوی مصرف نیز تا حدودی از تغییر قیمت نسبی کالاهای تولید داخل با کالاهای وارداتی تاثیر خواهد گرفت و در شرایط ثبات دیگر عوامل موثر، انتظار می‌رود سهم کالاهای داخلی و در سبد مصرفی افزایش یابد. حال اگر این تحول با ارتقاء کیفیت محصولات داخلی، بهره‌گیری از صرفه‌های مقیاس و فعالیت فرهنگی در خصوص استفاده از محصولات داخلی همراه گردد، افزایش سهم کالاهای تولید داخل در سبد مصرفی بیشتر خواهد بود. بدیهی است در مورد کالاهایی که جایگزین داخلی ندارند تنها اثر کاهش قدرت خرید بنگاه‌های تولیدی و مردم تاثیر گذار باقی خواهد ماند.

تنظیم بازار: تنظیم بازار در این شرایط کار بسیار دشواریست، زیرا از یکسو حدود ۸۵ درصد واردات کشور به کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای اختصاص دارد که تنها بخشی از آن ارز مرجع دریافت خواهد

کرد که کنترل قیمت آنها نیز دشوار خواهد بود و مابقی آنها با ارز حاصل از صادرات (در صورت کفایت) تامین خواهد شد که در صورت عدم کنترل لازم، قیمت آن روندی رو به افزایش خواهد داشت. حال اگر تاثیر عوامل خارجی نظیر تشدید تحریمها، خشک سالی در امریکا و افزایش قیمت جهانی غلات دامی و خوراکی نیز لحاظ شوند، این موضوع به مراتب پیچیده تر خواهد شد و در صورت احتمال بروز کمبود یا افزایش قیمت، مسئله ذخیره سازی توسط مردم پیش خواهد آمد.

حتی نهادهای تولید داخل نیز با توجه افزایش قیمت ارز زمینه صادرات بیشتری پیدا می کنند که این امر می تواند بر تولید کالای نیمه نهایی و نهایی و قیمت آنها در کشور تاثیر بگذارد (مثلاً قراضه و سنگ آهن یا محصولات پتروشیمی که فعلاً در معرض تحریم است).

بررسی امکان تک نرخ شدن ارز: نظر به مطالب پیش گفته شده چنین به نظر می رسد که در صورت امکان تامین عرضه مورد نیاز به میزان تقاضای کنترل شده برای ارز، بتوان سیستم تک نرخ ارز را در حدود نرخ موثر ارز در حال حاضر (مثلاً ۱۷۰۰۰ ریال برای هر دلار) اجرایی نمود و بدینوسیله با اعمال سیاستها و کنترلهای پیش گفته به وضعیت بحرانی موجود و بالقوه در بازار ارز سامان داد.

برای حمایت از اقشار آسیب پذیر دادن یارانه به تولید کالاهای حیاتی می تواند از محل افزایش درآمدهای ریالی دولت و صندوق توسعه ملی تامین گردد. در هر حال باید مراقب بود که هزینه های دولت از محل این افزایش درآمد، به صورت بی رویه هزینه نگردد و حجم پول نیز کنترل شود. کنترل تقاضا برای ارز، افزایش نرخ بهره متناسب با تورم، تشدید بازرسی و نظارت، تاکید بر تامین نهادهای مورد نیاز در تولید و صدور کالاهای، حفظ ذخایر لازم جهت تنظیم بازار، راه اندازی و مدیریت بورس ارز و ارزهای حاصل از صادرات از جمله پیش نیازهای ثبات قیمت ارز تک نرخ خواهد بود. اطلاع رسانی سریع و گسترده در خصوص این امر می تواند ضمن رفع ابهامات برای عاملین اقتصادی، از شکل گیری انتظارات تورمی که به شدت مضر خواهد بود، جلوگیری نماید.